

# رهایی از لناه

علیرضا پناهیان

## فهرست

- ۷ یادداشت ناشر
- ۹ پیش درآمد
- ۱۱ «گناه»؛ چالش اصلی قرآن
- ۱۹ ضرورت متقاعدسازی انسان به ترک گناه
- ۲۹ قدم های متقاعد کردن انسان به ترک گناه
- ۳۱ اصل دین داری ترک گناه است
- ۳۳ قدم اول: داشتن زندگی بابرنامه و منظم
- ۵۳ قدم دوم: منفعت طلب شدن انسان ها؛ دین داری یعنی منفعت طلبی
- ۹۳ قدم سوم: اهل مسابقه باشیم
- ۱۰۳ قدم چهارم: پذیرش زندگی در یک جهان منظم با نظمی آهنین
- ۱۲۱ قدم پنجم: توجه به حیات پس از مرگ
- ۱۴۱ قدم ششم: انتخاب هدف، و پاسخ به سؤال «بعدش چی؟»
- ۱۶۱ بیدار شدن حس پرستش و عبودیت
- ۱۶۳ وقتی این اتفاق خوب برای کسی بیفتد
- ۱۶۵ بیدار شدن حس پرستش
- ۱۷۱ ما نیازمندیم که خالق خود را بپرستیم
- ۱۷۷ نتایج پرستش و بندگی خدا

بیدارشدن حس فرمان بری و اطاعت ۱۸۱

حس پرستش، مقدمه پذیرش فرمان خدا ۱۸۳

الف. فرمان بری از خدا ۱۸۵

ب. فرمان بری از اولیای خدا ۲۰۵

گناه چیست؟ نافرمانی از خدا و اولیای خدا یعنی گناه ۲۴۱

فلسفه خلقت انسان: ارتباط با خدا ۲۴۷

حساس شدن به امر خدا مستقل از نفع و ضررش ۲۵۳

حفظ حرمت خدا، مهمتر از نفع و ضرر خودمان ۲۵۵

درک محبت خدا با عذرخواهی از او ۲۶۵

چگونگی و فرآیند پدید آمدن زمینه گناه و معصیت ۲۷۳

علل فراهم شدن شرایط سخت گناه و راههای جلوگیری از آن ۲۷۹

بیدارشدن حس انکسار پس از نافرمانی ۲۸۷

عوامل ایجاد حس انکسار پس از نافرمانی خدا ۲۸۹

برای بهره بردن از خدا راهی جز انکسار وجود ندارد ۲۹۳

راههای ایجاد حس انکسار ۲۹۹

فهرست ها ۳۰۵

فهرست منابع ۳۰۷

فهرست تفصیلی ۳۱۳

## یادداشت ناشر



یکی از موانع جذب همهٔ جوانان به دین، و همچنین یکی از موانع رشد دینداران، ذهنیت و برداشت ناقص و بعضاً نادرستی است که از دین و مفاهیم اصلی آن دارند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که ذهنیت نادرست نسبت به آن در جامعهٔ ما فراگیر است، مفهوم گناه و توبه است. مؤلف در این مبحث تلاش کرده است تا با نگاهی نو و در عین حال اصیل به این مفاهیم، یکی از موانع مهم برای رسیدن به یک زندگی بانشاط، پویا و همراه با انواع لذت‌های برتر را از جلوی پای جوانان بردارد.

این نوشتار برگرفته از سلسله مباحث استاد پناهیان در ماه رمضان سال ۱۳۹۸، در مسجد امام صادق (ع) تهران است که به همت واحد

پژوهش مؤسسه بیان معنوی هم اکنون آماده انتشار شده است. لازم به ذکر است نوشتار حاضر توسط واحد پژوهش مؤسسه بیان معنوی بازنویسی، مستندسازی و ویراستاری شده و به فراخور نیاز و در راستای تکمیل مباحث، مطالبی نیز به آن افزوده شده است.

## «گناه»؛ چالش اصلی قرآن



### عجیب بودن موضوع گناه و مغفرت

قصه داریم در مورد دو موضوع بسیار عجیب در عالم خلقت و فضای دین داری صحبت کنیم؛ یکی موضوع «گناه» و دیگری موضوع «مغفرت و توبه».

در این عالمی که خداوند همه چیز را منظم آفریده است، به انسان اراده و اختیار و آزادی داده است، و طبیعتاً این انسان گاهی اشتباه می‌کند و عمل خلافی از او سر می‌زند که به ضرر خودش است، عجیب این است که خداوند اسم این اشتباه را «گناه و معصیت» گذاشته است و می‌فرماید: «مرا عصیان کردید!» در حالی که ما خودمان را اذیت کرده ایم

و به نفس خودمان ظلم کرده‌ایم و ضربه زده‌ایم، ولی این ضربه‌ای را که ما به خودمان زده‌ایم، خداوند به خودش می‌گیرد.

کلمهٔ «ذنب» به معنای دنباله است. دلیل اینکه به گناه، ذنب می‌گویند این است که دارای عوارض منفی برای انسان است. وقتی ما گناهی انجام می‌دهیم، در واقع برای خود ما عوارض منفی دارد، اما خداوند می‌فرماید: بیا از این کار، توبه کن، یعنی از من معذرت خواهی کن!

کلمهٔ «عصیان» هم به معنی پیروی نکردن است. من ارتباط خودم را با خدا قطع کرده‌ام و این کار آثار وضعی نامطلوبی برای خودم دارد. اما خداوند می‌فرماید: تو مرا معصیت کرده‌ای، بیا توبه کن...

اینکه خداوند به ما دستور نماز و روزه می‌دهد، عجیب نیست؛ چون معلوم است که این کارها به نفع خودمان است. عجیب آنجاست که اگر این کارها را انجام ندهیم، نامش گناه و معصیت خدا می‌شود. یعنی وقتی من به خودم لطمه می‌زنم، خدا ناراحت می‌شود. موضع پروردگار نسبت به این دستورها این‌گونه است که خودش وارد شده و برای کارهایی که به نفعمان است، بهشت قرار داده و با جهنم، تهدید می‌کند؛ مثل مادری که از سر دلسوزی، کودک نادان خودش را تهدید می‌کند.

### شدت علاقهٔ خداوند به بندگان در موضوع گناه

در آیات قرآن، خداوند با اصرار و التهاب با بندگان سخن می‌گوید و آنها را موعظه می‌کند. این، شدت محبت خداوند به بندگان را

می‌رساند. کسی که قرآن کریم را نامه عاشقانه خداوند به بندگان خودش ببیند، در واقع معانی و منظور کلمات قرآن را متوجه نشده است. آیا مفهوم گناه و معصیت و جایگاه حساس آن در دین، نشان دهنده محبت شدید خدا نسبت به ما نیست؟! اگر این نیست، چه معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ آیا -نعوذ بالله- می‌توان گفت خداوند مانند یک پادشاه ستمگر است که اگر به دستورش عمل نکنیم، ناراحت شده و غضب می‌کند و ما را مجازات می‌کند؟ خداوند نه زور می‌گوید، نه بی‌رحم است و نه ستمگر. این شدت محبت خدا به بندگانش را می‌رساند و به خاطر این شدت محبت است که این قدر تأکید دارد ما گناه نکنیم و به خودمان ضربه نزیم. آیا ما باور داریم که خدا این قدر مهربان باشد؟

اصلاً چرا خداوند، این برنامه را که به عنوان دین به ما داده است، به صورت «دستوری» به ما ابلاغ کرده است تا هر تخلفی از این برنامه، «خلاف دستور خدا» باشد؟ یک پزشک، به بیمار خودش نسخه می‌دهد، اما وقتی بیمار، به نسخه او عمل نکند، نیازی به عذرخواهی از پزشک نیست؛ چون او به ضرر خودش عمل کرده است، نه به ضرر پزشک.

اما خداوند در زندگی ما، خودش را وسط آورده است و می‌گوید: اگر این اشتباهات را انجام دهید، مرا نافرمانی کرده‌اید! اگر به خودت لطمه بزنی، من از تو ناراحت می‌شوم، کارهایی که به نفع تو باشد، من به تو دستور می‌دهم. انگار خداوند می‌گوید: به خاطر من، این کارها (گناهان) را انجام نده!